

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

کلام محقق عراقی (ره) در بحث طلب و اراده

آخرین مطلبی که در بحث طلب و اراده تذکرش لازم است، فرمایش مرحوم محقق عراقی (اعلی الله مقامه الشریف) (نهایه الافکار، جلد 1، صفحه 163 به بعد) است که عرض کردیم، بهترین و دقیقترین مطب را در بین اصولیین، نسبت به بحث طلب و اراده، ایشان عنوان فرموده‌اند. ولو به فرمایششان مناقشاتی هم وارد باشد، اما از نظر عمق مطلب مقدم بر فرمایش دیگران هست.

مطلب اول: توجیهات قول به تغایر از طرف قائلین به اتحاد

در اولین مطلب ایشان فرموده‌اند: چون غالب بزرگان و اصولیین قائل به اتحاد طلب و اراده‌اند، قائلین به اتحاد، در مقام توجیه قول به تغایر بر آمده‌اند که، مجموعاً سه و یا چهار توجیه وجود دارد؛ یک توجیه از مرحوم آخوند (ره) (در کفایه) است که فرموده‌اند: مسئله تغایر بین طلب و اراده در فرضی است که، بگوییم: مراد از طلب، طلب انشایی و مراد از اراده، اراده حقیقی و واقعی است. فرموده‌اند: لفظ طلب عند الاطلاق، انصراف به طلب انشایی و لفظ اراده عند الاطلاق، انصراف به اراده واقعی و حقیقی دارد.

توجیه دوم برای بیان تغایر را، مرحوم محقق نائینی فرموده که، بیان مفصل ایشان را دیروز عرض کردیم که، بین مرحله اراده و مرحله حرکت عضلات، واقعیتی بنام حرکت النفس، هیجان النفس، را قائل بشویم. بگوییم: مراد از طلب مرحله‌ی حرکت النفس، یا هیجان النفس، یا طلب و یا اختیار است. آنوقت با این بیان – که توضیح مفصل را دیروز عرض کردیم – بین طلب و اراده تغایر حاصل می‌شود.

بعضی در مقام توجیه عکس این را بیان کرده گفته‌اند: مرحله حرکت النفس را اراده می‌نامیم و از مرحله شوق موکد به طلب تعبیر می‌کنیم.

توجیه سومی که برای تغایر ذکر شده این است که گفته‌اند: بیان تغایر بین اراده و طلب به این است که، طلب از اراده میرزه انتزاع می‌شود، یعنی وقتی انسان اراده‌ای دارد و به مقام ابراز رسید، از این اراده میرزه، طلب انتزاع می‌شود و ما دمی که اراده در همان باطن نهفته است، طلبی وجود ندارد. وقتی اراده به قالب «افعل یا لا تفعل» در آمد، از آن طلب انتزاع می‌شود.

سه مطلب سازگار با اراده و نا سازگار با طلب

مرحوم محقق عراقی(ره) بعد از اینکه، این توجیهات دیگران را برای تغایر بین طلب و اراده عنوان کرده فرموده‌اند: متأسفانه هیچکدام از این توجیهات با کلمات قائلین به تغایر سازگاری ندارد. برای روشن شدن این مطلب فرموده‌اند که: وقتی استدلال اشاعره را روی هم بریزیم، اشاعره می‌گویند: سه مطلب وجود دارد که، این سه مطلب با اراده سازگاری ندارد، اما با طلب سازگاری دارد.

هنر مرحوم محقق عراقی(ره) در اینجا است که فرموده‌اند: مطلب اول این است که اشاعره گفته‌اند: گاهی اوقات تکلیف تعلق به شی محال پیدا می‌کند و تعلق تکلیف به شی محال، با اراده سازگاری ندارد؛ اما با طلب سازگار است. مثلاً انسان طلب دارد - حالا طلب را هر طور معنا کنیم- که پرواز کند یا کار محالی را انجام دهد، به فعل محال، اراده طبق نظر اشاعره تعلق پیدا نمی‌کند، اما طلب تعلق پیدا می‌کند.

مطلب دوم این است که گفته‌اند: در باب اراده، انفکاک اراده از مراد ممکن نیست، اما در باب طلب انفکاک طلب از مطلوب ممکن است.

مطلب سوم این است که اشاعره گفته‌اند: طلب قابل موضوع واقع شدن برای حکم عقل به اطاعت و امتثال است، اما اراده قابلیت برای اینکه، موضوع برای حکم عقل به اطاعت و امتثال باشد را ندارد.

توضیح مطلب سوم این است که، عقل وقتی موضوعی محقق باشد، حکم به وجوب اطاعت و امتثال می‌کند و به مجرد اینکه مولا اراده دارد، عقل نمی‌گوید که: اطاعت آن مولا واجب است. حال اگر عبیدی علم پیدا کند به اینکه، مولا شیئی را اراده کرده، وقتی به عقل مراجعه می‌کنیم، می‌گوید: مجرد اراده موضوع برای حکم به وجوب اطاعت و امتثال نیست. اما طلب چیزی است که عقل آن را برای این که حکم به وجوب امتثال کند کافی می‌داند.

مرحوم عراقی(ره) فرموده: وقتی استدلال اشاعره را روی هم بریزیم، این مطالب از این استدلالات استفاده می‌شود که، اولاً طلبی را که اشاعره گفته‌اند، قابل تعلق به محال است، ثانیاً قابل انفکاک از متعلق یعنی از مطلوب است و ثالثاً قابلیت برای این که موضوع واقع شود که، عقل حکم به وجوب اطاعت و امتثال کند را دارد.

اما اراده‌ای که اشاعره گفته‌اند: با طلب مغایرت دارد، هیچکدام یک از این سه خصوصیت را ندارد، یعنی تعلق اراده به محال ممتنع است، انفکاک اراده از مراد محال است و هکذا مجرد اراده را اشاعره برای اینکه عقل حکم به وجوب اطاعت و امتثال کند کافی نمی‌دانند.

توجیه محقق عراقی(ره) در بیان تغایر بین طلب و اراده

ملاحظه می‌فرمایید که: از کجا به کجا رسیدیم، در بحث تغایر و اراده، بعضی‌ها خیال کرده، تغایر طلب و اراده فقط مربوط به عالم مفهوم و مربوط به موضوع له است و لذا گفته‌اند: نزاع یک نزاع لغوی است، که عرض کردیم این حرف باطلی است.

بعد رسیدیم به اینکه گفته‌اند: تغایر فقط در این مرحله است که، آیا بین اراده و بین حرکت عضلات، واقعیت دیگری در نفس انسان، بنام حرکت النفس وجود دارد یا نه؟

این مطلب مرحوم محقق عراقی(ره) در بیان تغایر بین طلب و اراده، فوق همهی این تغایرها است که؛ تا به حال به آنها اشاره شده است.

نقد و بررسی توجیهات دیگر

بعد مرحوم عراقی(ره) فرموده: این توجیهاتی که تا الان بیان شده، با محورهای سه گانه‌ای که برای تغایر بین طلب و اراده از دیدگاه اشاعره بیان کردیم، اصلاً سازگاری ندارد.

ایشان درباره‌ی فرمایش مرحوم آخوند(ره) – که فرموده: مراد از مغایرت بین طلب و اراده این است که مراد از طلب، طلب انشایی و مراد از اراده، اراده واقعی است – فرموده‌اند: در این طلب انشایی، کدام یک از این سه خصوصیت وجود دارد، طلب انشایی قابل تعلق به محال و انفکاک از مطلوب هست، اما نمیتواند موضوع برای حکم عقل به وجوب اطاعت قرار گیرد.

ایشان دیگر توضیح نداده‌اند، می‌خواهند بفرمایند که: اگر مولایی در باطن هیچ طلبی ندارد و یک طلب انشایی فقط دارد، مجرد این طلب انشایی نمیتواند موضوع برای حکم عقل قرار گیرد.

همچنین راجع به توجیه مرحوم محقق نائینی(ره) – که فرموده: مراد از طلب حرکت النفس است – فرموده‌اند که: اشکال حرکت النفس در همان خصوصیت اول است، چون حرکت النفس در جایی که، متعلق امر محالی باشد محقق نمی‌شود.

مرحوم نائینی(ره) آمده اسم حرکت النفس را طلب گذاشته، در حالی که طلبی را که اشاعره گفته‌اند، باید این خصوصیت اول را داشته باشد که، قابل تعلق به محال باشد. جایی که شیئی محال است، ممکن است در ذهن انسان تصور شود و حتی تصدیق و اراده هم بشود، اما حرکت النفسی که به دنبالش حرکت عضلات است، ابتدا محقق نمی‌شود.

مثلاً پرواز برای ما محال است و انسان در دلش میل به پریدن دارد، اما هیچ وقت آن هیجان و حرکت نفس که حرکت عضلات بر آن مترتب شود وجود ندارد. بنابر این، فرمایش مرحوم محقق نائینی هم یک فرمایش تامی نیست.

همچنین این هم که بگوییم: طلب یک امر انتزاعی است که از اراده میرزه انتزاع می‌شود، با این خصوصیتی که اشاعره بیان کرده‌اند سازگاری ندارد، چون امر انتزاعی نمیتواند موضوع برای حکم عقل به وجوب اطاعت و امتثال قرار گیرد.

خصوصیت دیگری در باره‌ی طلب اشاعره

البته در لا بلای فرمایش مرحوم عراقی(ره) غیر از این سه خصوصیت، به چیز دیگری هم اشاره می‌کند که، آن را بنحو مستقل ذکر نکرده و آن این است که فرموده‌اند: طلبی که اشاعره گفته‌اند، چیزی است که امر از آن حکایت می‌کند، اما اگر گفتیم: طلب اراده میرزه و یک امر انتزاعی است، دیگر امر از آن حکایت نمی‌کند، چون متاخر از امر می‌شود.

ایشان به اشاره نسبت داده‌اند که، اشاعره طلبی را مغایر با اراده می‌دانند که، امر از آن حکایت می‌کند، در حالی که طلب به این معنایی که از اراده میرزه انتزاع می‌شود، متاخر از امر است و امر نمی‌تواند از آن حکایت کند.

بنابراین فرموده‌اند: تمام فرمایشاتی که دیگران، در مقام توجیه تغایر بین اراده و طلب، بیان کرده‌اند، نا تمام است. بعد فرموده‌اند

که: حق این است که تغایر بین اراده و طلب، امر صحیحی است، اما روی مبانی خود اشاعره.

مبانی قول به تغایر اراده و طلب

آن وقت چهار مبنا برای مسئله تغایر مطرح کرده و روی آنها مفصل بحث کرده‌اند؛ اولین مبنا برای بحث تغایر اراده و طلب، انکار حسن و قبح عقلی است.

در این بحث، یکی از مطالبی که مطرح شده این است که، گاهی مصلحت در متعلق امر است و گاهی در خود امر. اشاعره گفته‌اند: ممکن است، امر شود و هیچ مصلحتی هم در کار نباشد. لذا یکی از مبانی برای بحث تغایر بین اراده و طلب این است که، اینها حسن و قبح عقلی را کنار گذاشته‌اند.

مبنای دوم قائل شدن به انفکاک اراده از مراد است.

مبنای سوم شبهه‌ای است که در باب اوامر امتحانیه داشته‌اند که، در باب اوامر امتحانیه اراده وجود ندارد، اما طلب وجود دارد.

و مبنای چهارم این است که، اشاعره چون عباد را در افعالشان مجبور دانسته‌اند، لذا قائل به تغایر بین طلب و اراده شده و گفته‌اند: خداوند به بنده‌ای که عصیان می‌کند، امر کرده و او را مکلف کرده، اما اراده نکرده که این امر را اتیان کند، تکلیف وجود دارد، اما اراده وجود ندارد و به جایی رسیده که گفته‌اند: این فعل و معصیتی را که انسان انجام می‌دهد، یک امر غیر اختیاری و جبری است.

مرحوم محقق عراقی(ره) فرموده: اگر کسی این مبانی اربعه را در باب تغایر بین اراده و طلب را بپذیرد، لا محال باید قائل به تغایر باشد و فرموده‌اند: باید سعی کنیم این مبانی اربعه را تخطئه کنیم.

آن وقت شروع به تخطئه مبانی کرده فرموده‌اند: حسن و عقلی را قبول داریم، اراده هم در اراده تکوینی از مراد انفکاک ندارد، اما در اراده تشریعی انفکاک دارد. آن شبهه اوامر امتحانیه را هم جواب داده و مسئله جبر را هم حل کرده‌اند و در نهایت هم قائل به اتحاد شده‌اند.

نقد و بررسی کلام محقق عراقی(ره)

در اینجا چند نکته مهم است که، به بعضی از آن اشاره می‌کنم؛ در اول مطلب ایشان مطلبی را فرموده که، قابل مناقشه است. این چنین نیست که قائلین به اتحاد، در مقام توجیه قول به تغایر بر آمده باشند، بحث طلب و اراده، بحثی است که از اول یک عده، طرفدار اتحاد و عده‌ی دیگر طرفدار تغایر بوده‌اند.

برای تغایر هم بیان‌هایی مختلف بوده است، یعنی مرحوم نائینی(ره) وقتی تغایر بین طلب و اراده را بیان کرده، کاری به استدلال اشاعره نداشته و نمی‌خواسته نظر اشاعره را بیان کند که، مرحوم محقق عراقی(ره) اشکال کند که، این توجیه با کلمات اشاعره سازگاری ندارد.

مرحوم محقق خراساني(ره) هم در مقام توجیه نبوده، تا مرحوم محقق عراقی(ره) بفرماید، این توجیهات با کلمات اشاعره سازگاری ندارد.

این اولین تعلیقیه که ما بر فرمایش مرحوم محقق عراقی داریم.

دومین اشکال این است که ما هر چه کلمات اشاعره را بررسی کردیم، آن سه خصوصیتی را که ایشان بیان کرده پیدا نکردیم.

خصوصیت اول را - که بگوییم: طلب به محال تعلق پیدا می‌کند- پیدا نکردیم و نفهمیدیم که ایشان آن را از کجای کلام اشاعره بدست آورده‌اند و در استدلالات اشاعره چیزی که موید این معنا باشد نیست.

همچنین خصوصیت سوم را هم - که طلب عبارت از این بود که، بتواند موضوع حکم عقل به جواز امتثال و وجوب اطاعت باشد- بعنوان یکی از خصوصیات طلب پیدا نکردیم.

آنچه هست این است که، اشاعره گفته‌اند: در جمیع افعال اختیاریه، چه فعل اختیاری امر باشد و چه غیر امر، غیر از اراده حقیقت دیگری هم وجود دارد.

تنها چیزی که ما از فرمایشات مرحوم محقق عراقی(ره) می‌پذیریم، همین مسئله انفکاک اراده از مراد است که، این را اشاعره هم تصریح کرده‌اند.

اشکال سوم بر فرمایش ایشان این است که، بعضی از این مبانی اربعه‌ای را که برای بحث تغایر درست کرده‌اند، ربطی به بحث تغایر ندارد، مثلاً مسئله جبر و تفویض، ربطی به بحث تغایر ندارد.

در اول بحث کلام نفسی گفتیم که: این سه بحث، ولو قابلیت ارتباط با یکدیگر را دارند، اما هیچکدام مبتنی بر هم نیستند و بین اینها اصلاً ملازمه‌ای وجود ندارد؛ که یکی بحث کلام نفسی است، یکی بحث تغایر طلب و اراده و یکی هم بحث جبر و تفویض.

شاید بعضی از مبانی دیگری را هم که ایشان فرموده‌اند، مبنای برای بحث طلب و اراده نباشد.

علیای حال این سه تعلیق به فرمایش مرحوم محقق عراقی(ره) وارد است و این نهایت چیزی است که می‌توانستیم در بحث تغایر طلب و اراده خدمت آقایان عرض کنیم. بالاخره بحث لغویش روشن شد و بحث غیر لغویش هم روشن است. آنچه در ذهن ما بود این است که، ابعاد بحث طلب و اراده برای آقایان روشن باشد، اما دامنه این بحث خیلی وسیع است، خودتان می‌توانید به کتب مراجعه کرده و مطالب بیشتری را استفاده کنید.

انشالله روز شنبه از اول بحث «هیئت افعال»، بحث را دنبال می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین